

جایگاه و نقش سیاست جنایی قضایی کیفری و غیرکیفری در حمایت از منابع طبیعی (از دیدگاه قضات با مطالعه میدانی)

امیر احمدی*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۷	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۳۰	شماره صفحه: ۳۱-۵۸
-------------------	-------------------------	------------------------	-------------------

پرداختن به موضوع حمایت از منابع طبیعی با توجه به سرعت تخریب و تهدید علیه منابع طبیعی می‌تواند یکی از اولویت‌های مورد بررسی در حوزه سیاست جنایی قضایی باشد. در این پژوهش به بررسی و تحلیل حقوقی راهکارهای سیاست جنایی قضایی در حوزه حمایت کیفری و غیرکیفری در عرصه حمایت از منابع طبیعی پرداخته خواهد شد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء تحقیقات کاربردی و مسئله محور و نوع تحقیق، توصیفی و تحلیلی است. هدف از این پژوهش بررسی و ارائه راهکار برای یک مسئله حقوقی و اجتماعی با عنوان سیاست جنایی قضایی در حوزه حمایت از منابع طبیعی با بیان معایب و خلأها در این حوزه است. روش گردآوری اطلاعات به صورت مصاحبه و مطالعه رویه قضایی در خصوص حمایت از منابع طبیعی است. همچنین ضمن ارزیابی وضعیت کنونی سیاست جنایی قضایی ایران درباره موضوع مورد تحقیق، الگوی مناسب پیشگیری قضایی کیفری و غیرکیفری در حوزه حمایت از منابع طبیعی ارائه شده است. در این پژوهش نتیجه گرفته شد که پیشگیری غیرکیفری و نیز ملغی کردن قوانین کهنه و ناکارآمد باید مورد توجه مقنن باشد. همچنین جامع و کامل شدن قوانین در حوزه منابع طبیعی که منجر به ایجاد سیاست جنایی قضایی هماهنگ و واحد بین محاکم قضایی شود، ضروری است.

کلیدواژه‌ها: سیاست جنایی؛ سیاست قضایی؛ منابع طبیعی؛ پیشگیری کیفری؛ پیشگیری غیرکیفری

* استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛

Email: Amir.Ahmadi@pnu.ac.ir

مقدمه

۱. بیان مسئله

یکی از حوزه‌هایی که بروز رفتارهای غیرقانونی، بزهکارانه و مجرمانه در آن به وفور دیده می‌شود حوزه منابع طبیعی است، به طوری که مقام معظم رهبری (مدظله) در فرمانی هشت ماده‌ای به تشریح زوایای آن پرداخته‌اند.

در خصوص جرائم محیط زیست قوانین متکثر و متعدد و در برخی موارد متضاد و متعارض وجود دارد، همین امر جریان رسیدگی به جرائم فوق را مشمول گذشت زمان بسیار زیاد کرده است (اکبرآبادی، ۱۳۹۶: ۹۴).

از این رو تحلیلی حقوقی در حوزه حمایت از منابع طبیعی با توجه به مدل سیاست جنایی قضایی، هدف این پژوهش خواهد بود. در نتیجه پافشاری قضات و محاکم در پیروی از سیاست جنایی قضایی و اجرایی در حوزه منابع طبیعی و آشکار کردن خلأها، نواقص و معایب و گاهی ایجاد رویه قضایی و راهکارهای حمایتی از سوی قوه قضائیه، خواه ناخواه می‌تواند سبب تحول و تغییر در سیاست جنایی تقنینی در این حوزه شود.

۲. سوابق و پیشینه پژوهش

گفتنی است در پژوهش‌های انجام شده در حوزه منابع طبیعی به ویژه در سیاست جنایی قضایی بحثی به میان نیامده و در تحقیقات یاد شده دیگر سیاست‌های جنایی به طور کلی مورد بحث محققان قرار گرفته است. از نوآوری‌ها و دستاوردهای پژوهش حاضر این است که به بررسی معایب و خلأهای موجود با توجه به مصاحبه از متخصصان در حوزه منابع طبیعی در پیشگیری و حمایت کیفری و غیرکیفری در سیاست جنایی قضایی ایران پرداخته می‌شود. در ذیل به برخی از پژوهش‌های نزدیک به این موضوع اشاره می‌شود:

امیراحمدی و صبار رحمت‌آبادی، «سیاست جنایی قضایی غیرکیفری در حمایت از منابع طبیعی»، مطالعات فقهی و فلسفی، سال نهم، ش ۳۶، ۱۳۹۷.

- بهزاد اکبرآبادی، ناکارآمدی سیاست جنایی ایران در برخورد با جرائم منابع طبیعی، تهران، انتشارات آوا، ۱۳۹۶.

- روح‌الله عباسی، «بررسی ناکارآمدی سیاست جنایی ایران در صیانت از اراضی ملی»، اولین همایش بین‌المللی و مخاطرات طبیعی و بحران‌های زیست‌محیطی ایران، راهکارها و چالش‌ها، دوره اول، ۱۳۹۵.

۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری (مدظله) در صورت عدم پیشگیری و رفع نواقص و معایب در قانونگذاری (ماهوی و شکلی) در این عرصه می‌توان شاهد قطع درختان در جنگل‌ها، تخریب و تصرف منابع طبیعی و اراضی ملی، زمین‌خواری و لطمه به منابع طبیعی بود. بنابراین تعیین وضعیت کنونی سیاست جنایی قضایی در حمایت از منابع طبیعی و همچنین تعیین محاسن، معایب و نواقص موجود در سیاست جنایی قضایی در خصوص منابع طبیعی موضوع پژوهش حاضر خواهد بود.

۴. اهداف پژوهش

در این پژوهش با شناخت قوانین، مقررات، نقش و جایگاه حمایتی قضایی قوه قضائیه مشخص خواهد شد که تا به امروز در حوزه منابع طبیعی و ملی چه اقداماتی انجام شده است و همچنین به ارائه و بیان خلأها و نواقص در این باره پرداخته می‌شود. هدف کلی این پژوهش شناخت جایگاه و نقش حمایتی قوه قضائیه، قضات و سازمان منابع طبیعی در حمایت از منابع طبیعی یا ملی با استناد به سیاست‌های کیفری و غیرکیفری با توجه به مصاحبه از مسئولان این حوزه و بررسی آرای صادره است.

۵. جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش

با توجه به تأثیر منابع طبیعی در زندگی انسان و جایگاه و نقش آن در مقررات جزایی ایران و با توجه به اینکه تاکنون به‌طور جدی به بحث و پژوهش در خصوص سیاست جنایی قضایی در حوزه منابع طبیعی پرداخته نشده است، محقق را به بررسی و بحث درباره این موضوع جدید ترغیب و تشویق کرده است. به این ترتیب مهمترین جنبه نوآوری پژوهش

حاضر بررسی میدانی سیاست جنایی در عرصه منابع ملی با تکیه بر رویکردهای قضاتی است که کمتر در کشور ما مورد توجه موضوعات پژوهشی قرار گرفته است.

۶. سؤال‌های پژوهش

۶-۱. سؤال اصلی

سیاست جنایی قضایی ایران در حوزه حمایت از منابع طبیعی و ملی از منظر حقوقی چگونه ارزیابی و تحلیل می‌شود؟

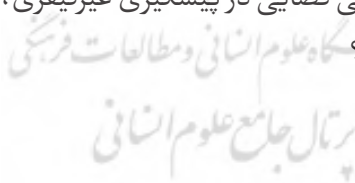
۶-۲. سؤال‌های فرعی

الف) علت ناکارآمدی سیاست جنایی قضایی در حمایت از منابع طبیعی ضعف در اجراست یا در قوانین؟

ب) آیا استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس در جرائم علیه منابع طبیعی می‌تواند یک سیاست قضایی کارآمد برای حفاظت و حمایت از منابع طبیعی باشد؟

ج) آیا رسیدگی قضایی به جرائم قاچاق چوب و زغال در نهاد شبه قضایی تعزیرات حکومتی کارآمد بوده است؟

د) راهبرد و تدابیر سیاست جنایی قضایی در پیشگیری غیرکیفری، تا چه اندازه در حمایت از منابع طبیعی مؤثر بوده است؟



۷. ادبیات پژوهش

۷-۱. مفهوم سیاست جنایی

با مطالعه کتاب‌های لغوی می‌توان معنای سیاست را تدبیر و اصلاح دانست. اهل لغت معانی مختلفی را برای سیاست بیان کرده‌اند که از جمله می‌توان به امر و نهی کردن مردم، ریاست کردن بر مردم، حکمرانی بر مردم، جزا دادن، تربیت و ادب کردن، تمرین با حیوان، برامری همت کردن و حراست و نگهداری کردن، اشاره کرد (ابن منظور افریقی، ۱۴۰۵: ۱۸۰؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳۸۶۵). سیاست در مفهوم به معنای «تصدی بر اموری برای حفاظت از مصالح مردم»

است (ابن منظور آفریقی، ۱۴۰۵: ۱۸۰). درباره مفهوم سیاست امام صادق (ع) می‌فرمایند: خداوند به پیامبر فرمودند: «همانا تو دارای خوبی والا هستی» (کلینی رازی، ۱۳۸۸: ۲۲۶). اما درباره سیاست جنایی تعریف یکسانی در تقریرات نویسندگان این حوزه نیست، از این رو موجب شده است که تعاریف مختلفی در لسان آنها به وجود آید.

استفانی و لوسور دو اندیشمند بزرگ «سیاست جنایی را نوعی سازمان‌دهی مبارزه با بزهکاری در شکل‌های متفاوت و با به‌کارگیری ابزار مختلف و هدایت شده به سوی اهداف معین می‌دانند» (نجفی توانا، ۱۳۸۹: ۱۵۵). سیاست جنایی در قالب کیفری و جزایی آن عکس‌العمل سرکوب‌گرایانه و تنبیهی علیه جرم و انحراف و کشف راه‌های مؤثر مقابله با پدیده بزهکاری محسوب می‌شود (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۳۰). سیاست جنایی در معنای مضیق یعنی در این تفکر، نظام کیفری برای مبارزه با جرم کفایت می‌کند. بنابراین سیاست جنایی در معنای مضیق عبارت‌اند از سیاست اتخاذی در قبال جرم که منحصر به برخورد کیفری از طریق سیستم قضایی است (عظیم‌زاده اردبیلی و حسابی، ۱۳۹۰: ۱۱۸). شایان ذکر است سیاست کیفری فقط برخورد حقوقی با پدیده جنایی است و ابزار آن مجازات و اقدام‌های تأمینی و تربیتی است.

می‌توان گفت معنای موسع سیاست جنایی را فقط اقدامات کیفری نباید دانست؛ بلکه شامل تدابیر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظایر اینها نیز می‌شود. بنابراین سیاست جنایی کلیه تدابیری است که در مقابله با جرم و انحراف به‌وسیله دولت و جامعه اتخاذ می‌شود (قیاسی، ۱۳۸۵: ۴۱-۴۰). اما تکیه سیاست جنایی نوین و در مفهوم گسترده و موسع آن به استفاده از تمامی روش‌ها و ابزارها به خصوص روش‌های مبتنی بر جبران خسارت و میانجیگری به جای استفاده صرف از روش‌ها و شیوه‌های سرکوبگر و استفاده از مشارکت اجتماعی جامعه در مبارزه و مقابله و پیشگیری از بزهکاری است (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۷-۲۶). بنابراین تعاریف بیان شده از نویسندگان در این حوزه معنای موسع سیاست جنایی فقط اقدامات کیفری نیست، بلکه اقدامات و تدابیر غیرکیفری مانند تدابیر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظایر آن را دربرگرفته و به عبارتی همه تدابیر مقابله با جرم در عرصه منابع طبیعی توسط دولت و قوه قضائیه در دامنه سیاست جنایی قرار می‌گیرد. بنابراین مقصود از سیاست جنایی به‌کاررفته در این مقاله همان مفهوم موسع آن است.

۲-۷. سیاست جنایی قضایی

از جمله سیاست جنایی می‌توان به تقنینی، قضایی و مشارکتی اشاره کرد که در این مقاله فقط به سیاست جنایی قضایی پرداخته می‌شود.

در تعریف سیاست جنایی قضایی می‌توان نحوه دریافت و برداشت مقام‌های دارای رتبه قضایی، از مقررات سیاست جنایی تقنینی را سیاست جنایی قضایی نامید. به عبارت دیگر سیاست جنایی قضایی در معنای مضیق؛ یعنی سیاست جنایی که در تصمیم‌ها، نتیجه کار و عملکرد دادگاه‌ها منعکس و درج می‌شود (لازرژ، ۱۳۹۵: ۱۴۸؛ عباسی، ۱۳۹۵: ۵).

از این رو سیاست جنایی قضایی را در وهله نخست شامل رویه قضایی عام یعنی عملکرد و برداشت قضات از قانون دانسته‌اند که در صورت بروز اختلاف در آرا و صدور احکام گوناگون، معمولاً دیوان عالی کشور به صدور وحدت رویه در موضوع مورد اختلاف اقدام می‌کند (آبروشن، ۱۳۹۵: ۳۰).

برخی از حقوق‌دانان تنوع برداشت دادگاه‌ها را مربوط به اصل متغیر بودن تفسیر قواعد حقوق کیفری می‌دانند و سیاست جنایی تقنینی را در یک زمان در برابر سیاست جنایی قضایی در زمان و مکان واحد قرار می‌دهند (لازرژ، ۱۳۹۵: ۱۴۶). بنابراین همان‌گونه که مشخص است همین عدم همسویی، تنوع برداشت، آرا و تصمیم‌های متفاوت قضات دادگاه‌ها مانع مهمی در ایجاد و حصول سیاست جنایی قضایی واحد و یکسان می‌شود. این برداشت متفاوت قضات به‌عنوان رویه قضایی عام، موجب می‌شود که آرا و احکام دادگاه‌ها متفاوت باشند که در این صورت برابر با اصل (۱۶۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هیئت عمومی دیوان عالی کشور وحدت رویه قضایی در موضوع مورد اختلاف ایجاد خواهد کرد و هدف قانونگذار از جرم‌انگاری سهل‌تر می‌شود. بنابراین سیاست جنایی قضایی در این حوزه به معنای نحوه برداشت و استنباط دادگاه‌های دادگستری از سیاست جنایی تقنینی و نحوه صدور حکم و اعمال قانون در حمایت از منابع طبیعی است. در اینجا وقتی از سیاست جنایی قضایی در حمایت از منابع طبیعی (ملی) بحث می‌شود، منظور سیاست‌هایی است که قوه قضائیه و سازمان‌ها در قبال جرائم منابع طبیعی با توجه به ضوابط، مقررات و قوانین اتخاذ می‌کنند و منحصر به برخورد کیفری و غیرکیفری از طریق

نظام قضایی و سایر سازمان‌های ذی‌ربط است. همچنین رسیدگی‌های شکلی و نحوه اجرای آرای صادره یک نوع برخورد قضایی است که در عرصه حمایت قضایی در منابع طبیعی بحث خواهد شد.

۷-۳. مفاهیم منابع و اراضی ملی و مصادیق آن

در این قسمت ابتدا مفهوم منابع ملی بیان می‌شود و پس از آن به بررسی مفهوم اراضی ملی و سپس مصادیق آنها پرداخته خواهد شد.

۷-۳-۱. مفهوم منابع و اراضی ملی

در قوانین مصوب کشور به منابع ملی اشاره شده است. بنابراین برای شناختن منابع ملی یا طبیعی با رجوع به اصل (۴۵) قانون اساسی دیده می‌شود که بیشه‌ها، مراتع و جنگل‌ها جزء منابع ملی و انفال محسوب می‌شوند و در اختیار دولت و جزء اموال عمومی هستند. در روایات معصومین (ع) مراتع و جنگل‌ها در زمره انفال محسوب می‌شوند (اسدی، ۱۴۱۹: ۱۸۸؛ کلینی رازی، ۱۳۸۸: ۵۴۲)، اما امروزه منابع ملی شامل تمام منابعی که به صورت طبیعی وجود دارد و انسان در ساختن و پیدایش آن نقشی نداشته نیز می‌شود (شمس، ۱۳۹۴: ۳۰).

در شناسایی منابع ملی یا طبیعی به موجب ماده (۱) قانون ملی شدن جنگل‌ها مصوب ۱۳۴۱ و تصویب‌نامه آن و در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع با اصلاحات بعدی آن مصوب ۱۳۴۶ جنگل؛ کلیه عرصه جنگل‌ها، مراتع، بیشه‌های طبیعی، اراضی جنگلی و اراضی ملی شده کشور جزء اموال عمومی و منابع ملی محسوب می‌شوند. اموال عمومی نیز حسب تعریف اموالی هستند که برای استفاده مستقیم تمام مردم آماده‌اند، یا به حفظ مصالح عمومی اختصاص داده شده است (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۶۵). شناسایی منابع ملی در ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع با اصلاحات بعدی آن مصوب ۱۳۴۶ و در ماده (۲۰) آیین‌نامه اجرایی قانون ملی شدن جنگل‌ها مصوب ۱۳۴۲، بر عهده وزارت منابع طبیعی (وزارت جهاد سازندگی) است که امروزه سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری نام دارد. هیئت وزیران نیز در جلسه مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۱۶ بنا به پیشنهاد جلسه

مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۸ وزارت جهاد سازندگی و به استناد مواد (۳ و ۲) قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱، آیین‌نامه اجرایی ماده (۲) قانون یاد شده را به این شرح تصویب کردند: در ماده (۱) این آیین‌نامه اجرایی آمده است که تشخیص منابع ملی شده و مستثنیات ماده (۲) قانون ملی شدن جنگل‌ها براساس تعریف تصریح شده در فصل اول قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع به عهده وزارت جهاد سازندگی است که به شیوه سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور اقدام می‌کند. گفتنی است هیئت عمومی دیوان عالی کشور در جهت حمایت قضایی و با توجه به وظیفه ذاتی خود در رأی وحدت رویه^۱ (۶۸۱)، عدم صدور سند مالکیت به نام دولت جمهوری اسلامی ایران را نافی مالکیت دولت نسبت به منابع ملی نمی‌داند (باختر، ۱۳۸۷: ۱۰۰؛ عباسی، ۱۳۹۵: ۶).

از جمله قوانینی که به اراضی ملی شده پرداخته؛ آیین‌نامه اجرایی اصلاح لایحه قانونی واگذاری و احیای اراضی در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۹/۲/۳۱ شورای انقلاب است. در ماده (۱) آیین‌نامه فوق در مقام تعریف انواع اراضی زیر عنوان «اراضی منابع طبیعی» که برای اولین بار در این قانون دیده شده است به بیان تعاریف جنگل‌ها یا بیشه طبیعی، مراتع، نهالستان‌ها و اراضی جنگلی می‌پردازد (شمس، ۱۳۹۴: ۳۰). همچنین در ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ و ماده (۴) آیین‌نامه اجرایی قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۱۶ از عبارت منابع ملی استفاده شده است (احمدی و رحمت‌آبادی، ۱۳۹۹: ۲۱).

۲-۳-۷. مصادیق منابع ملی

با رجوع به تصویب‌نامه هیئت وزیران درباره جنگل‌ها مصوب ۱۳۰۳، لایحه قانونی جنگل‌ها و مراتع کشور مصوب ۱۳۳۸، ماده (۱) قانون ملی شدن جنگل‌ها مصوب ۱۳۴۱، قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع با اصلاحات بعدی آن مصوب ۱۳۴۶، قانون

۱. رأی وحدت رویه شماره ۶۸۱، تاریخ ۱۳۸۴/۸/۲۲، هیئت عمومی دیوان عالی کشور در خصوص ماده (۱) قانون ملی شدن جنگل‌های کشور مصوب ۱۳۴۱، منتشر شده در روزنامه رسمی، یکشنبه ۲۲ آبان ۱۳۸۴، ویژه‌نامه شماره ۱۷۶۸۷، سال صفر. همچنین منتشر شده در پنج آذر ۱۳۸۴، سال صفر، ویژه‌نامه شماره ۱۷۷۰۲.

حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱، قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ و براساس قانون اراضی ساحلی مصوب ۱۳۴۶ و سایر قوانین موضوعه و مصوبات هیئت وزیران می‌توان به مصادیق منابع ملی آگاهی یافت. بنابراین همان‌گونه که ملاحظه می‌شود مصادیق منابع طبیعی را صرفاً با دقت در سیر قانونگذاری می‌توان تعیین و احصا کرد و قانونگذار آن را در یک قانون احصا نکرده است.

براساس قوانین مصوب از جمله قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع با اصلاحات بعدی آن مصوب ۱۳۴۶ و سایر قوانین اشاره شده می‌توان مصادیقی از منابع ملی را مانند جنگل‌ها و اراضی جنگلی^۱، مرتع^۲ یا بیشه طبیعی مشجر و غیرمشجر، سواحل دریایی، بستر رودها و نظایر آنها را نام برد. مطابق مصوبه مورخ ۱۳۹۱/۰۱/۱۴ مجلس شورای اسلامی (مواد ۲ و ۳) لایحه جامع منابع طبیعی و آبخیزداری کشور) منابع طبیعی عبارت است از همه عرصه و اعیان جنگل‌ها، مراتع، اراضی جنگلی، بیشه‌های طبیعی، چمنزارها، بوته‌زارها، نيزارها، مرداب‌ها، تالاب‌ها، اراضی مستحدث، اراضی ساحلی، اراضی خالصه، اراضی موات، اراضی دولتی، اراضی بیابانی و کوهستانی، شنزارها، کویرها، منابع خاک، بستر دریاها، دریاچه‌ها، خلیج‌ها، جزایر، آبراهه‌ها، جنگل‌های دست‌کاشت، پارک‌های جنگلی، پارک‌های آبخیز، نهالستان‌ها و ایستگاه‌های تولید بذر و نهال، ذخایر ژنتیکی عمومی، زیست‌بوم‌های طبیعی و اجزای آن، جنگل‌ها و مراتعی که در اجرای وظایف سازمان برای احیا، اصلاح و تبدیل منابع ایجاد می‌شود و سایر منابع مشابه که توسط وزارت جهاد کشاورزی و سازمان‌ها و واحدهای تابعه ایجاد شده یا می‌شود (علی‌بیگی، ۱۳۹۷: ۷۸). بنابراین همان‌طور که بیان شد مصادیق را با رجوع به قوانین مدونه کشور می‌توان مشخص کرد، هرچند تعیین مصادیق بحث اصلی پژوهش نیست.

۱. جنگل: زمین وسیعی است که از درخت‌های انبوه و بسیار پوشیده شده باشد. در جنگل معمولاً درختان کوچک، بزرگ و تنومند به‌طور نامنظم و همچنین علف‌های خودرو فراوان هستند (معین، ۱۳۷۲: ۱۲۴۶؛ عمید، ۱۳۵۶: ۳۸۳؛ دهخدا، ۱۳۷۷).

۲. مرتع: به معنای چراگاه است (معین، ۱۳۷۲: ۱۲۴۶؛ دهخدا، ۱۳۷۷).

۸. روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء تحقیقات کاربردی، مسئله محور، توصیفی و تحلیلی است که با استفاده از روش تحقیق کیفی بر مبنای ابزار مصاحبه یک به یک انجام شده است. در مقاله حاضر در جمع آوری داده ها و اطلاعات مورد نیاز از روش اسنادی و کتابخانه ای با استفاده از منابع علمی مدون مرتبط با موضوع تحقیق شامل کتب، مقاله ها، پایان نامه های انجام شده در حوزه ادارات قضایی، دولتی و نهادهای اجتماعی استفاده شده است. در ادامه اطلاعات و داده های به دست آمده کدگذاری و با روش تحلیلی و توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و ضمن ارزیابی وضعیت کنونی سیاست جنایی قضایی کشور در خصوص این موضوع با جلب نظر حقوقدانان و صاحب نظران، الگوی مناسب سیاست جنایی حمایتی و کنترلی در حوزه حمایت قضایی در منابع طبیعی به صورت کیفی و غیرکیفری ارائه می شود.

۹. جامعه آماری، روش و حجم نمونه گیری

جامعه آماری در پژوهش حاضر قضات متخصص در حوزه منابع طبیعی و کارشناسان همکار قضات در حوزه منابع ملی هستند. روش نمونه گیری به صورت گلوله برفی است. حجم این نمونه گیری با داشتن تعداد اولیه ای از افراد شروع و سپس از آنها خواسته می شود تا کسانی را که فکر می کنند برای این تحقیق مناسب هستند، به برنامه تحقیقاتی معرفی کنند.

۱۰. نمونه آماری

در این تحقیق، مصاحبه ای با سؤالات باز طراحی شده که در اختیار ۲۵ نفر از نمونه های آماری قرار گرفته است که با کد G1 تا G25 مشخص شده اند.

نمونه گیری تا وقتی که به حد مورد نظر برسد، ادامه دارد (نادری فر، گلی و قلجایی، ۱۳۹۶: ۱۷۲؛ Burns and Grove, 1993: 4). مصاحبه از ابزارهای بررسی در علم جرم شناسی است که نتایج حاصل از آن می تواند در تهیه آمار نیز مورد استفاده قرار گیرد. ارزش این روش زمانی بیشتر مشخص می شود که در بعضی از جرائم به علت عدم انتشار آمار درست می توان با مراجعه به مسئولان و افراد نتایج بسیار مفیدی را استخراج کرد (نجفی توانا، ۱۳۹۴: ۱۲۱).

۱۱. روایی و پایایی مصاحبه

روایی مصاحبه با روش اعتبار صوری توسط متخصصان این حوزه تأیید و سؤالات مصاحبه مطابق با هدف پژوهش سنجش شد. در خصوص پایایی در پژوهش کیفی می‌توان گفت محقق دیگر باید با در نظر گرفتن نگرش نظری مشابه همان محقق قبلی و تعقیب کلی گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل علاوه بر سایر شرایط مشابه قادر باشد درباره همان پدیده به توضیحات نظری یکسانی برسد (استراس و کوربین، ۱۳۹۰). از این رو با مصاحبه‌ای مجدد توسط محقق دیگر، جواب‌های یکسانی برای سؤالات به دست آمد و پایایی سؤالات مصاحبه تأیید شد.

۱۲. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه این قسمت با توجه به سؤالات پژوهش (اصلی و فرعی) به چهار بخش مجزا شده که در هر بخش به سؤال مورد نظر پرداخته شده است و اطلاعات لازم با تحلیل انجام شده به تحقیق اضافه می‌شود.

۱۲-۱. بررسی علل ناکارآمدی سیاست جنایی قضایی در حمایت از منابع طبیعی

در مصاحبه‌های انجام شده با قضات سؤالی با این هدف طرح شد که علت‌های ناکارآمدی سیاست جنایی قضایی در حمایت از منابع طبیعی چیست؟

از ۲۵ نفر مصاحبه‌شونده، ۱۹ نفر به ناکارآمدی سیاست جنایی قضایی معتقد نبودند و بیان می‌کردند که سیاست جنایی قضایی در ایران یک سیاست کامل و کارآمد در حوزه منابع طبیعی بوده و نمی‌توان به صراحت گفت در حوزه قوانین ضعف وجود دارد، چرا که در حوزه قوانین ما قانون‌های مختص به منابع طبیعی و ملی کم نیست، بنابراین اگر خللی مشاهده می‌شود ناشی از علل دیگر است.

بر اساس آمار به دست آمده ۲۴ درصد مصاحبه‌شوندگان به ناکارآمدی سیاست جنایی قضایی معتقد و ۷۴ درصد به کارایی سیاست جنایی قضایی در حوزه منابع طبیعی اذعان دارند.

با دسته‌بندی پاسخ‌ها بابت این سؤال که علت این ناکارآمدی از نظر قضات در کدام یک از سه حوزه خلأ و نقص در قوانین، ضعف در اجرا و یا تورم قانونی است. با تحلیل آماری این داده‌ها جدول ۱ تدوین شد که فراوانی و درصد فراوانی پاسخ‌ها در هر کدام از دو حوزه را نشان می‌دهد.

جدول ۱. بررسی علل ناکارآمدی سیاست جنایی قضایی در حوزه منابع طبیعی

تورم قانونی	ضعف در اجرا	خلأ و نقص در قوانین	
۲۴	۲	۶	فراوانی
۹۶	۸	۲۴	درصد فراوانی

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

با توجه به جدول فوق، ۸ درصد به ضعف در اجرا معتقدند و ۲۴ درصد نیز معتقد به خلأ و نقص در قوانین و ۹۶ درصد تورم قانونی را از علل ناکارآمدی سیاست جنایی قضایی دانسته‌اند. برای مثال قاضی کد G5 در روند مصاحبه علت ناکارآمدی را این‌گونه شرح می‌دهد: «یک قانون در جامعه زمانی به موفقیت خواهد رسید که به هدف مهم خود در آن جامعه که همان کاهش جرم و بزهکاری است، برسد. هدف اصلی سیاست جنایی هم اتخاذ مجموعه‌ای از تدابیر و راهکارهاست که بتواند با مشکل بزهکاری در جامعه مبارزه کند. در زمینه منابع طبیعی شاهد افزایش جرم و میزان شکایات هستیم؛ پس این افزایش حاکی از عدم موفقیت در رسیدن به هدف در سیاست جنایی قضایی در حوزه منابع طبیعی است.»

قاضی کد G21 می‌گوید: «ما در این سال‌ها در عرصه قانون و سیاست جنایی قضایی حوزه منابع طبیعی به خوبی عمل کرده‌ایم؛ به طوری که حتی قضات نسبت به گذشته عملکرد بهتر و قاطعانه‌تری نسبت به پرونده‌ها دارند. بخشنامه‌ها و طرح‌های پیشنهادی باعث شده در این سال‌ها خط‌مشی قوه قضائیه بتواند مانع از افزایش میزان تخریب در حوزه منابع طبیعی شود». ایشان میزان افزایش پرونده‌ها را ناشی از ضعف‌های دیگر در این زمینه نظیر اطاله دادرسی می‌داند.

مصاحبه‌شونده کد G11 نیز با تأیید کارآمدی سیاست جنایی قضایی در حوزه محیط زیست، علت اصلی مشکلات در این حوزه را بیشتر ناشی از ضعف مدیریتی در حوزه دولتی می‌داند و معتقد است بخش عمده مشکلات ناشی از عدم رسیدگی درست و مسئولیت‌پذیری ادارات و سازمان‌های ذی‌ربط مانند سازمان حفاظت از محیط زیست است.

قاضی کد G8 و G9 نیز وجود مشکلات در ساختار قوانین، تورم قانونی و ناآشنایی قضات با مسائل منابع طبیعی را از علل این ناکارآمدی می‌داند.

با این حال وضع قوانین پی‌درپی، جرم‌انگاری‌های بی‌رویه و تورم قانونی نتیجه‌ای جز سردرگمی محاکم و تابعان حقوق کیفری را نخواهد داشت و نه تنها مردم عادی بلکه حقوقدانان، محاکم و مقامات قضایی نیز در تشخیص قوانین ناسخ و منسوخ با ابهام و مشکل روبه‌رو می‌شوند (کوشکی، ۱۳۸۸: ۹۰؛ پوربافرانی و همتی، ۱۳۹۵: ۳۵۲).
با توجه به تجزیه و تحلیل پاسخ‌های مصاحبه، راهکارهای قضات برای کاهش این ناکارآمدی در سیاست جنایی قضایی در حوزه منابع طبیعی به اختصار بیان می‌شود.

۱-۱۲. راهکارها در حوزه تورم قانونی و عدم انسجام قوانین

الف) جامع و کامل شدن قوانین در حوزه منابع طبیعی که به ایجاد سیاست جنایی قضایی هماهنگ و واحد بین محاکم قضایی منجر شود.
ب) ملغی کردن قوانین کهنه برای کاهش سردرگمی قضات و کاهش مدت روند رسیدگی و عدم اطاله دادرسی.
ج) آموزش قضات و آشنا کردن آنان با قوانین حوزه منابع طبیعی به طوری که اشراف کامل بر قوانین و مجازات‌های این حوزه داشته باشند.

۲-۱۲. حوزه خلأ و نقص در قوانین

در ادامه با ذکر نوع نقص و خلأ در قانون راهکار نیز بیان می‌شود:
«به‌عنوان نمونه یکی از خلأهای قضایی که هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی

وحدت رویه شماره ۶۵۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۸۱/۳/۷ مطرح کرد مربوط به جرائم اراضی ملی بود. در این رأی هیئت عمومی دیوان، جرائمی که مجازات آنها از نوع بازدارنده باشد، با حصول مرور زمان، تعقیب آنها را موقوف کرد. اما در ادامه رأی خود در جهت حمایت قضایی از اراضی ملی مقرر کرده است که هرچند تجاوز به اراضی ملی شده و تصرف عدوانی آن اراضی دارای مجازات بازدارنده است، ولی چون جرم مذکور از جرائم مستمر است، تا وقتی که تصرف ادامه دارد موضوع مشمول مرور زمان نخواهد شد...»^۱.

الف) پرداخت نکردن هزینه دادرسی توسط سازمان های دولتی

گفتنی است که عدم پرداخت هزینه دادرسی باعث می شود عده ای سودجو به منابع طبیعی تعرض کرده و سازمان منابع طبیعی از آنها طرح دعوا کند بدون اینکه هیچ یک از طرفین دعوا هزینه دادرسی را پرداخت کنند. راهکار: اعمال ردیف بودجه ای برای وزارت جهاد کشاورزی جهت پرداخت هزینه دادرسی.

ب) مشخص نبودن مرز میان منابع طبیعی و مستثنیات قانونی

گفتنی است این امر در عمل باعث می شود که اشخاص منابع ملی هم جوار خود را تصرف و تخریب کنند.

راهکار: اجرای کامل ماده (۵۶) قانون حفاظت جنگل ها و مراتع، اجرای قانون برنامه پنجم و اجبار به تهیه نقشه جامع و اجرای حدنگاری برای تفکیک مرزها و تهیه سند مالکیت توسط اداره ثبت اسناد و املاک برای کمک به قضات در پرونده های مطروحه.

ج) متناسب نبودن مجازات با جرم

راهکار: مناسب کردن مجازات ها توسط مقنن با کار کارشناسی و تخصصی و بازدارنده کردن مجازات ها. مثلاً جزای نقدی متناسب با جرائم مشخص شده در قوانین منابع طبیعی نیست.

۱. رأی وحدت رویه شماره ۶۵۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۸۱/۳/۷، روزنامه رسمی کشور، شماره ۲۲۳۳ - ۵ - ۱۳۸۱/۴/۳۰، در خصوص عدم شمول مرور زمان در جرم تجاوز به اراضی ملی شده و تصرف عدوانی.

د) رویه متعارض در چرای دام در احیای اراضی

راهکار: رأی وحدت رویه توسط هیئت عمومی دیوان صادر شود تا قضات محاکم آرای متناقض صادر نکنند.

ه) عدم مهلت قانونی برای اعتراض به رأی هیئت تشخیص ماده (۵۶)

در خصوص تجدیدنظرخواهی از آرای صادره از هیئت مذکور بین محاکم اختلاف ایجاد شد و برخی محاکم از تجدیدنظرخواهی امتناع می‌کردند تا اینکه براساس رأی شماره ۶۶۵ و رأی شماره ۶۰۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، رأی قاضی هیئت حل اختلاف مقرر در قسمت اخیر ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۶۷ قابل اعتراض در دادگاه عمومی و سپس قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان است. بنابراین رأی شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران که بر همین اساس صادر شده با اکثریت آرا تأیید شد.^۱

راهکار: اصلاح قانون و اضافه کردن مهلت مشخص برای اعتراض و تجدیدنظر از رأی هیئت توسط مقنن.

و) نداشتن سند مالکیت در منابع طبیعی و اراضی ملی شده

راهکار: ملزم کردن سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به عنوان زیرمجموعه قوه قضائیه و همکاری با سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری و سایر ادارات ذی‌ربط برای تفکیک اراضی ملی از مستثنیات.

۱. رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور، شماره رأی ۶۶۵ مورخ ۱۳۸۳/۱/۱۸، شماره پرونده وحدت رویه ردیف: ۳۳/۸۲ هیئت عمومی، منتشر شده در روزنامه رسمی کشور، شماره ۱۷۲۶۲ ویژه‌نامه انتشار در تاریخ ۱۳۸۳/۳/۱۸ و همچنین رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور، شماره رأی ۶۰۱ مورخ ۱۳۷۴/۷/۲۵، شماره پرونده وحدت رویه ردیف: ۳۱/۷۴ هیئت عمومی، منتشر شده در روزنامه رسمی کشور، شماره ویژه‌نامه ۱۴۷۹۷ انتشار در تاریخ ۱۳۹۴/۹/۲۷.

ز) عدم بازدارندگی کیفر جزای نقدی

عدم بازدارندگی کیفر جزای نقدی در قوانین به علت ناچیز بودن میزان جریمه نقدی، خود یک خلأ قانونی است.

راهکار: جریمه‌های نقدی در طول زمان با توجه به شاخص قیمت‌ها و نرخ تورم افزایش یابد، به طوری که جریمه نقدی بازدارندگی لازم را جهت پاره‌ای جرائم دارا باشد.

ح) نبود نظارت کافی در نحوه واگذاری اراضی ملی

نبود نظارت کافی در نحوه واگذاری اراضی ملی و طبیعی براساس ماده (۳۳) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع که باعث می‌شود عده‌ای سودجو بعد از واگذاری اراضی ملی آن را به مسکن یا ویلا تبدیل کنند بدون اینکه از آن در توسعه کشاورزی، صنعت و اقتصاد استفاده کنند.

راهکار: باید درباره نظارت طرح‌های اراضی ملی مقرراتی وضع شود که ضمانت اجرایی کافی داشته باشد و مانع سودجویی افراد پس از واگذاری شود. در این بُعد محاکم دادگستری در صورت طرح دعوا در این خصوص رأی وحدت رویه‌ای ندارد. بنابراین باید برای انسجام سیاست جنایی قضایی قانون اصلاح شود.

۱۲-۱-۳. ضعف در اجرای قوانین

برخی معتقدند که فقدان دادگاه ویژه برای رسیدگی به جرائم زیست‌محیطی (و منابع طبیعی) سبب می‌شود رسیدگی به این پرونده‌ها با اطاله دادرسی مواجه شده و برای مدت زمان طولانی به طول بینجامد (پورباقرانی و همتی، ۱۳۹۵: ۳۶۷).

راهکار: تخصصی کردن محاکم قضایی و شبه قضایی و تشکیل دادگاه ویژه در حوزه منابع طبیعی و آموزش و آشنا کردن قضات در رسیدگی به قوانین موجود.

۱۲-۲. بررسی مجازات‌های جایگزین حبس

در این قسمت به بررسی مجازات‌های جایگزین حبس در جرائم علیه منابع طبیعی پرداخته

شد. از مصاحبه‌شوندگان سؤال شد آیا استفاده از مجازات‌های جایگزین‌های حبس در جرائم علیه منابع طبیعی می‌تواند یک سیاست قضایی کارآمد برای حفاظت و حمایت از منابع طبیعی باشد؟ با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه ۸۸ درصد پاسخ‌دهندگان مجازات‌های جایگزین حبس را یک سیاست کارآمد جهت حفظ منابع طبیعی دانسته‌اند.

جدول ۰۲. بررسی مجازات‌های جایگزین حبس

۲۲	فراوانی پاسخ آری
۸۸	درصد فراوانی پاسخ آری

مأخذ: همان.

مطابق تحلیل ۲۲ درصد به ناکارایی این سیاست اعتقاد داشته‌اند و ۸۸ درصد به کارآمدی آن اذعان داشته‌اند.

براساس اطلاعات جمع‌آوری شده روش‌های مطلوب جایگزینی حبس با توجه به قانون در اختیار قضات قرار گرفت و از آنها خواسته شد روش‌های مورد نظر و مطلوب را با توجه به تجربیات و اطلاعات خود بیان دارند که صدور رأی به جزای نقدی و رأی به مجازات‌های تکمیلی و تبعی مانند کشت نهال و آبیاری آنها به مدت مشخص، پاک‌سازی محیط زیست، به‌کارگیری در کمک به محیط بانان به‌عنوان احکام سبز قضایی با توجه به مواد (۶۴، ۶۶، ۸۲، ۸۴ و ۸۷) قانون مجازات اسلامی نمونه‌هایی از آنهاست.

در فرایند مصاحبه نکات جالبی مطرح شد که به اختصار به آن پرداخته می‌شود. براساس گفته مصاحبه‌شونده G7 نبود فضا و بودجه کافی و تبعات منفی زندان، استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس را مناسب جلوه می‌دهد. مصاحبه‌شونده کد G18 این‌گونه از مجازات‌ها را به شرط اجرای صحیح و اصولی باعث کاهش میزان جرائم منابع طبیعی می‌داند. برای مثال این قاضی استفاده از خدمات عمومی رایگان مثل کشت نهال، آبیاری و نگهداری آن به مدت معین را باعث تغییر و اصلاح در رفتار مجرمانه می‌پندارد و موجب افزایش قدرت بازدارندگی از بزه در منابع طبیعی می‌شود.

مصاحبه‌شونده G25 معتقد بود در بسیاری از موارد جرم در منابع طبیعی، شخص مرتکب فاقد سابقه کیفری مؤثر بوده و زندان مکانی برای تبدیل وی به یک مجرم حرفه‌ای می‌شود که بار مالی و اقتصادی زیادی را بردوش مجموعه می‌گذارد.

مصاحبه‌شونده G23 نیز اقدامات انجام شده در زمینه مجازات‌های جایگزین حبس را ناشی از فرمایشات مقام معظم رهبری برای «تبدیل فرهنگ منابع طبیعی به معارف عمومی» می‌داند که همین امر باعث حفظ و حراست بیشتر از منابع طبیعی و محیط زیست شده است.

۳-۱۲. بررسی رسیدگی قضایی به جرائم قاچاق چوب و زغال در تعزیرات حکومتی

در این قسمت به بررسی کارآمدی رسیدگی قضایی در زمینه جرائم قاچاق چوب و زغال پرداخته شده است.

براساس ماده (۴۸) قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع حمل چوب و زغال از درختان جنگلی در تمام نقاط کشور ممنوع است. در قانون قدیم مجازات قاچاق کالا و ارز، صلاحیت رسیدگی این جرائم در دادسرا بود و تمامی پرونده‌ها توسط محاکم قضایی رسیدگی و برابر قانون به مجازات‌های کیفری بازدارنده محکوم می‌شدند. اما از سال ۱۳۹۲ شمسی با تصویب قانون جدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز، رسیدگی به جرائم قاچاق و حمل چوب و مشتقات آن مانند زغال، از محاکم قضایی سلب شد و فقط قاچاق کالاهای ممنوعه در محاکم دادگستری رسیدگی می‌شود (رجوع کنید به رأی وحدت رویه شماره ۷۴۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، ۱۳۹۵).^۱

با توجه به توضیحات فوق پاسخ به این پرسش که رسیدگی قضایی به جرائم قاچاق چوب و زغال در نهاد شبه قضایی تعزیرات حکومتی کارآمد بوده است یا خیر؟ نتیجه ذیل حاصل شد:

۱. رأی وحدت رویه شماره ۷۴۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲۴، در مورد صلاحیت مرجع قضایی رسیدگی‌کننده به جرائم مرتکبان حمل چوب جنگلی غیرمجاز؛ روزنامه رسمی کشور، ویژه‌نامه ۸۷۸، یکشنبه ۶ تیرماه ۱۳۹۵ سال هفتاد و دو، شماره ۲۰۷۶۹.

برطبق آرای قضات ۷۵ درصد از پاسخ‌ها به ناکارآمدی این سیاست اذعان داشته و ۲۵ درصد آن را کارآمد می‌دانند.

با تحلیل داده‌ها، سلب صلاحیت رسیدگی به جرائم قاچاق چوب و زغال از محاکم قضایی ناکارآمدی‌هایی دارد که در ذیل علل و راهکار رفع آن از دید قضات آورده شده است.

الف) حذف مجازات بازدارنده در مقابله با قاچاقچیان و حاملان چوب و زغال به دلیل تخلف دانستن آن در قانون قاچاق کالا و ارز؛ روند قاچاق چوب و زغال را سرعت بخشیده و ادارات منابع طبیعی را با حجمی از پرونده‌ها و مشکلات مواجه کرده است. بنابراین حذف صلاحیت محاکم دادگستری و جرم نبودن قاچاق چوب و زغال چالش‌هایی را دربردارد. **راهکار:** اصلاح قانون توسط قانونگذار و برگرداندن صلاحیت رسیدگی به این‌گونه جرائم به مراجع قضایی.

در این باره خطای قانونگذار در تصویب قانون قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ راه را برای قاچاقچیان باز کرده است، زیرا مهمترین عیب این قانون آن است که هیچ اشاره‌ای به جرائم خاص منابع طبیعی مانند حمل چوب و زغال نکرده است. این امر باعث سردرگمی محاکم در مرجع رسیدگی شد که در نهایت رأی وحدت رویه شماره ۷۴۹ هیئت عمومی دیوان براساس قانون قاچاق کالا و ارز، تعزیرات حکومتی را صالح به رسیدگی می‌داند.

ب) حذف مجازات‌های کیفری باعث ترغیب متخلفان شده است، به طوری که با پرداخت جریمه نقدی از چنگال قانون رها و باعث چالش جدی در این حوزه شده است. با توجه به کارایی نامناسب ضمانت‌های اجرایی مدنی و اداری، جامعه بین‌المللی مدت‌هاست که از روش و ابزار کیفری برای حمایت در حوزه محیط زیست بهره می‌گیرد (Pereira, 2015: 24). این مهم در قطعنامه شورای اروپا با عنوان «توسل به حقوق کیفری در عرصه حمایت از محیط زیست» مورد تأکید است.^۱

1. Eurojust (2014). "Strategic Project on Environmental Crime" (Report), Finalized in October.

راهکار: برگرداندن مجازات‌های کیفری، بازدارنده و جرائم نقدی سنگین توسط مقنن و ایجاد شعب تخصصی، ویژه و خارج از نوبت در صلاحیت محاکم دادگستری برای رسیدگی به پرونده‌های قاچاق چوب و زغال از جمله راهکارهای قضات است.

۴-۱۲. بررسی راهبرد و تدابیر سیاست جنایی قضایی در پیشگیری غیرکیفری در حمایت از منابع طبیعی

در آخرین مرحله از مصاحبه به بررسی راهبرد و تدابیر سیاست جنایی قضایی در پیشگیری غیرکیفری در حمایت از منابع طبیعی پرداخته شد. سیاست پیشگیری غیرکیفری مشتمل بر دو قسمت اجتماعی و وضعی است.

از قضات در خصوص میزان تأثیر راهبرد و تدابیر سیاست جنایی قضایی در پیشگیری غیرکیفری در حمایت از منابع طبیعی، نقش معاونت پیشگیری از جرائم و عوامل مؤثر در کاهش جرائم منابع طبیعی در بُعد پیشگیری اجتماعی و وضعی سؤال شد.

از قضات سؤال شد آیا راهبرد و تدابیر سیاست جنایی قضایی در پیشگیری غیرکیفری در حمایت از منابع طبیعی مؤثر بوده است؟ از ۲۵ نفر نمونه ۱۹ نفر معتقد به مؤثر نبودن راهبرد و تدابیر سیاست جنایی قضایی در پیشگیری غیرکیفری بودند و تعداد ۶ نفر نیز این راهبرد و تدابیر را مؤثر دانستند. در جدول ذیل فراوانی و درصد فراوانی این پاسخ‌ها آمده است.

جدول ۳. بررسی تأثیر سیاست جنایی قضایی در پیشگیری غیرکیفری

۱۹	فراوانی مؤثر نبودن
۷۶	درصد فراوانی مؤثر نبودن
۶	فراوانی مؤثر نبودن
۲۴	درصد فراوانی مؤثر نبودن

مأخذ: همان.

از قضات درباره دلیل مؤثر نبودن این راهبرد و تدابیر سیاست جنایی قضایی در پیشگیری غیرکیفری در حمایت از منابع طبیعی سؤال شد. براساس داده‌های مصاحبه علل مؤثر نبودن در دو بُعد اجتماعی و وضعی تقسیم‌بندی شد. برآیند سخنان و دیدگاه قضات و کارشناسان به اختصار در ذیل آمده است.

۱-۴-۱۲. تحلیل بُعد اجتماعی پیشگیری غیرکیفری در حمایت از منابع طبیعی

از دیدگاه قضات پیشگیری اجتماعی جامعه‌مدار در حوزه منابع طبیعی کارآمدی لازم را نداشته است؛ چرا که هنوز قطع بی‌رویه درختان، تصرف اراضی ملی و تخریب منابع طبیعی در وسعت زیاد انجام می‌شود. بنابراین اعمال پیشگیری رشدمدار از دید مصاحبه‌شوندگان ضروری به نظر می‌رسد.

پیشگیری اجتماعی در ایران برای رفع ناهنجاری‌های طبیعی آن‌چنان که باید در جامعه نهادینه نشده است و برای پیشبرد این‌گونه از پیشگیری در کشور نیاز جدی مشاهده می‌شود. باید با تحلیل علل ارتکاب جرم از سوی اشخاص در ایران، راهکارهای پیشگیری از زمینه وقوع جرم را شناسایی کرده و با وضع قوانین پیشگیرانه راه ارتکاب جرم در این حوزه محدود شود که این امر نیازمند بررسی دقیق و کارشناسی است.

راهکار دیگر تلاش در حوزه آموزش و اطلاع‌رسانی همگانی است که می‌توان با هماهنگی بین قوه قضائیه و در رأس آن معاونت پیشگیری با صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌های آموزشی را جهت تنویر افکار عمومی به صورت تخصصی ارائه کرد. برنامه‌هایی که اهمیت حفظ منابع طبیعی را به خوبی منتقل و تلاش کند فرهنگ محیط زیست دوستی را در جامعه ترویج دهد و همزمان با اطلاع‌رسانی در مورد قوانین و مقررات حوزه منابع طبیعی، افراد را در مورد عواقب انجام بزه مطلع کند. آموزش کودکان در حفظ منابع طبیعی و زیست‌محیطی به‌عنوان یک سرمایه بلندمدت می‌تواند تضمین‌کننده حفظ منابع طبیعی در ایران باشد.

از سوی دیگر با توجه به ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری نیاز به ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد با جلب مشارکت مردمی در جهت فرهنگ‌سازی و اشاعه رفتار

درست در حوزه منابع طبیعی در کشور احساس می‌شود. جالب این است که این سازمان‌ها براساس قانون می‌توانند گزارش جرم مستدل در این حوزه را برای اعمال سیاست جنایی مناسب در محاکم ارائه کنند.

سمن‌های مردمی به علت مواجهه مستقیم با مشکلات محیط‌زیستی می‌توانند با بررسی و شناسایی نقاط ضعف و آسیب‌پذیر نظام پیشگیری از تخلفات و جرائم منابع طبیعی و محیط‌زیستی و مشارکت آنان در اطلاع‌رسانی و ارتقای آگاهی عمومی مردم از طریق ایجاد کمپین‌های مجازی حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست در شبکه‌های اینترنتی؛ باعث شوند قوه قضائیه سیاست پیشگیرانه متناسب با این حوزه را برای کسب موفقیت در زمینه پیشگیری وضع کند.

۲-۴-۱۲. تحلیل پیشگیری وضعی غیرکیفری در حمایت از منابع طبیعی

با توجه به منویات مقام معظم رهبری در جهت تشکیل شورای حفاظت از حقوق بیت‌المال در اراضی ملی و منابع طبیعی؛ با دستور رئیس قوه قضائیه این شورا در سی استان تشکیل شد. در این شورا راهکارهای پیشگیری وضعی ارائه می‌شود که می‌توان از راهبردهای زیر برای کاهش آسیب به منابع طبیعی بهره برد:

- از طریق گازرسانی یا تهیه سوخت‌های جایگزین هیزم، می‌توان بهانه بزهکارانی که انگیزه خود از قطع درختان را ناشی از نبود سوخت می‌دانند را می‌توان رفع کرد.
- چنانچه قوانین وضع شده در مورد بزه به‌گونه‌ای باشد که عواقب حاصل از انجام آن برای بزهکاران بیشتر از منافعش باشد؛ بزهکار دیگر ترغیب به انجام خلاف نمی‌شود.
- با تهیه نقشه و حدنگاری به روز، تهیه اسناد مالکیت دولتی و تهیه اطلاعات جامع از اراضی ملی می‌توان تا حدود زیادی از جرائم منابع طبیعی کاست.
- با استفاده از حصارکشی‌های مناسب، علامت و تابلوهای مخصوص نسبت به عواقب جرم در اطراف حوزه‌های منابع طبیعی؛ می‌توان شناخت و آگاهی لازم به افرادی که از قوانین مطلع نیستند را داد.
- افزایش ضابطین متخصص و آموزش دیده با تعلیمات دادستان در این حوزه به نظر

الزامی است. ضابطینی که در تماس مستقیم با منابع طبیعی باشند تا به صورت رودرو معضلات این حوزه را لمس کنند.

برخی معتقدند با توجه به اینکه آموزش‌های عمومی ناظر به مواردی همچون تشخیص حقوق و تکالیف ضابطان و اشخاص در مواجهه با جرائم مشهود و غیرمشهود است و نه آموزش‌های تخصصی مربوط به دعوا فنی زیست‌محیطی (از جمله منابع طبیعی)، تا رسیدن به نقطه مطلوب همچنان فاصله است و ضرورت تشکیل ضابطان دادگستری خاص جرائم زیست‌محیطی (و منابع طبیعی) به صورت عام‌الشمول به نظر می‌رسد (پوربافرانی و همتی، ۱۳۹۵: ۳۶۵).

- افزایش تعامل و همکاری لازم بین دستگاه‌های دولتی و قوه قضائیه در اجرای بند «۵» اصل (۱۵۶) در جهت پیشگیری اجتماعی و وضعی می‌تواند امری راهگشادر حوزه منابع طبیعی باشد. باین حال بیشتر جرائم زیست‌محیطی از سوی افراد آگاه و با نقشه از قبل طراحی شده و همراه با بررسی و سنجش سود و زیان ناشی از جرم، ارتکاب می‌یابد. حال با توجه به رویکرد اقتصادی توسط مقنن و اتخاذ اقدام‌ها و تدابیر متناسب با جرم و وضع ضمانت‌های اجرایی مناسب و کارآمد می‌توان به پیشگیری از جرم کمک کرد (Rees, 2006: 411 به نقل از پوربافرانی و همتی، ۱۳۹۵: ۳۶۵).

افزون بر این قضات و کارشناسان معتقد بودند که هریک از روش‌ها و مدل‌های پیشگیری غیرکیفری به تنهایی از میزان جرائم در حوزه منابع طبیعی، پیشگیری نمی‌کند. استفاده تلفیقی از مدل‌های پیشگیری می‌تواند تا حدودی از جرائم این حوزه بکاهد. در واقع ترکیب پیشگیری اجتماعی با پیشگیری وضعی آثار و منافع بیشتری نسبت به اعمال هر کدام به تنهایی دارد.

۱۳. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

با توجه به پژوهش حاضر می‌توان گفت که برای رسیدن به نقطه مطلوب در سیاست قضایی در حوزه منابع ملی کارآمد، بازدارنده و واحد؛ همکاری و همسویی قوای کشور و سازمان‌ها لازم است. بنابراین اتخاذ سیاست جنایی قضایی واحد و منسجم با اصلاح قوانین، در پیشگیری از تصرف و تخریب منابع طبیعی مؤثر خواهد بود. با توجه به این پژوهش حاضر

قضات معتقد به خلأ و نقص در قوانین هستند و تورم قانونی را از علل ناکارآمدی سیاست جنایی قضایی می‌دانند.

با توجه به سؤال پژوهش، قضات مجازات‌های جایگزین حبس را یک سیاست کارآمد برای حفظ منابع طبیعی دانسته‌اند. بر این اساس روش‌های مطلوب جایگزینی حبس با توجه به قانون، صدور رأی به جزای نقدی و رأی به مجازات‌های تکمیلی و تبعی مانند کشت نهال و آبیاری آنها به مدت مشخص، پاک‌سازی محیط زیست، به‌کارگیری در کمک به محیط‌بانان به‌عنوان احکام سبز قضایی از این‌گونه روش‌هاست.

از سال ۱۳۹۲ شمسی با تصویب قانون جدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز، رسیدگی به جرائم قاچاق و حمل چوب و مشتقات آن مانند زغال، از محاکم قضایی سلب شد و فقط قاچاق کالاهای ممنوعه در محاکم دادگستری رسیدگی می‌شود. بنابراین براساس نظر قضات و کارشناسان می‌توان گفت که برای حمایت جدی از منابع طبیعی، اصلاح قانون توسط قانونگذار و برگرداندن صلاحیت رسیدگی به این‌گونه جرائم به مراجع قضایی ضروری به نظر می‌رسد. گفتنی است که در این خصوص خطای قانونگذار در تصویب قانون قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ راه را برای قاچاقچیان چوب و زغال آسان کرده است. با توجه به اصل (۵۰) قانون اساسی باید مقدمه مشارکت فعالانه جامعه در جهت فرهنگ‌سازی، حفظ و حمایت از منابع طبیعی آموزش داده شود. از این‌رو قوه قضائیه باید با سیاست قضایی مناسب در زمینه بزهکاری در منابع طبیعی در جامعه فرهنگ‌سازی کند. مثلاً در مورد قطع بی‌رویه درختان با اطلاع‌رسانی و آموزش به کمک رسانه‌های جمعی این امر نهادینه شود.

به این ترتیب با توجه به مدل پیشگیری فردمدار اگر از ابتدای کودکی نحوه برخورد با منابع طبیعی و محیط زیست توسط مدارس، مساجد و نهادهای متولی مانند صداوسیما، قوه قضائیه و خانواده و نظایر اینها آموزش داده شود، احتمال انگیزه بزه و جرم کاهش می‌یابد. باید افزود قوه قضائیه نیز در راستای وظایف پیشگیرانه خود با سایر دستگاه‌های متولی امر حمایت و حفاظت از منابع طبیعی می‌تواند با راهکارهای علمی و تخصصی درصدد پیشگیری وضعی با افزایش خطر، حذف بهانه‌ها، کاهش تحریک و کاهش منافع برآید.

گفتنی است که هر گاه انرژی ارزان در دسترس عموم باشد؛ استفاده از زغال و چوب منافع آنچنانی برای مصرف‌کننده نخواهد داشت.

با توجه به تجزیه و تحلیل پاسخ‌های مصاحبه و راهکارهای قضات برای کاهش این ناکارآمدی در سیاست جنایی قضایی در حوزه منابع طبیعی پیشنهادهایی به اختصار بیان می‌شود:

الف) جامع و کامل شدن قوانین و اصلاح قانون در حوزه منابع طبیعی که به ایجاد سیاست جنایی قضایی هماهنگ و واحد بین محاکم قضایی منجر شود. همچنین ملغی کردن قوانین کهنه در راستای کاهش سردرگمی قضات و کاهش مدت روند رسیدگی و عدم اطاله دادرسی و وضع قوانینی که وقوع بزه را پرهزینه کند.

ب) الزام به اجرای کامل ماده (۵۶) قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع، اجرای قانون برنامه پنجم، تهیه نقشه جامع و اجرای حدنگاری برای تفکیک مرزها، تفکیک اراضی ملی از مستثنیات و تهیه سند مالکیت توسط اداره ثبت اسناد و املاک.

ج) جریمه‌های نقدی در طول زمان با توجه به شاخص قیمت‌ها و نرخ تورم افزایش یابد، به طوری که جریمه نقدی، بازدارندگی لازم را دارا باشد.

د) با تحلیل علل ارتکاب جرم توسط اشخاص در ایران باید راهکارهای پیشگیری وقوع جرم را شناسایی کرد. همچنین با جلب مشارکت مردمی در جهت فرهنگ‌سازی و اشاعه رفتار درست در حوزه منابع طبیعی در جهت پیشگیری از جرائم حوزه منابع ملی تلاش کرد. بنابراین افزایش تعامل و همکاری بین دستگاه‌های دولتی و قوه قضائیه در اجرای بند «۵» اصل (۱۵۶) بسیار ضروری است.

ه) در مناطق محروم انرژی جایگزین زغال (ایجاد شبکه گاز خانگی) به کار گرفته شود تا از قطع بی‌رویه درختان جلوگیری شود.

منابع و مآخذ

۱. ابن منظور افریقی مصری، ابی‌الفضل جمال‌الدین محمدبن مکرم (۱۴۰۵ق). *لسان‌العرب*، الناشر نشر أدب الحوزة، المطبعة دار إحياء التراث العربی، الطبعة الاولى، جلد ۶ [۱۵ جلدی].
۲. استراس، آنسلم و جولیت. ام کوربین (۱۳۹۰). *مدل روش تحقیق کیفی نظریه‌مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه بیوک محمدی، چاپ سوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. اسدی، الحسن بن یوسف بن علی المطهر [علامه حلی] (۱۴۱۹ق). *تذکرة الفقهاء*، قم، مؤسسه آل‌البيت الإحياء التراث، الطبعة الاولى، جلد ۹ [۱۷ جلدی].
۴. اکبرآبادی، بهزاد (۱۳۹۶). *ناکارآمدی سیاست جنایی ایران در برخورد با جرائم طبیعی*، چاپ اول، تهران، انتشارات آوا.
۵. احمدی، امیر و صبار رحمت‌آبادی (۱۳۹۷). «سیاست جنایی قضایی غیرکیفری در حمایت از منابع طبیعی»، *مطالعات فقهی و فلسفی*، سال نهم، ش ۳۶.
۶. --- (۱۳۹۹). *سیاست قضایی در حمایت از منابع طبیعی (با تکیه بر نظر قضات و آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور)*، چاپ دوم، تهران، انتشارات دادگستر.
۷. آبروشن، هوشنگ (۱۳۹۵). *سیاست جنایی ایران در قلمرو جرائم اقتصادی*، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی.
۸. آرای وحدت رویه مستخرج از روزنامه رسمی کشور.
۹. آیین‌نامه اجرایی اصلاح لایحه قانونی واگذاری و احیای اراضی در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۹/۲/۳۱ شورای انقلاب فرهنگی.
۱۰. آیین‌نامه اجرایی ماده (۲) قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۱۶ هیئت وزیران.
۱۱. باختر، سیداحمد (۱۳۸۷). *مجموعه کامل قوانین و مقررات موضوع اجرای ماده (۵۶) قانون جنگل‌ها و مراتع*، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل، جاودانه.
۱۲. پوربافرانی، حسن و مرضیه همتی (۱۳۹۵). «نقد سیاست کیفری ایران در قبال جرائم زیست‌محیطی»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، سال ۲۳، ش ۸۷.
۱۳. تصویب‌نامه (آیین‌نامه اجرایی) قانون ملی شدن جنگل‌های کشور مصوب ۱۳۴۲/۶/۶ هیئت وزیران.
۱۴. تصویب‌نامه مورخ ۸ حوت هیئت وزیران در خصوص جنگل‌ها مصوب ۱۳۰۳.

۱۵. حسینی، سیدحسین (۱۳۸۳). «نگرشی تطبیقی بر نحوه انعکاس جرم رشوه در سیستم‌های حقوقی فرانسه، ایتالیا، سوئیس و چین»، مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره ۳، ش ۶.
۱۶. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، ج ۹، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
۱۷. شمس، احمد (۱۳۹۴). نظام حقوقی اراضی ملی شده، چاپ پنجم، تهران، انتشارات نشر دادگستر.
۱۸. عباسی، روح‌اله (۱۳۹۵). «بررسی ناکارآمدی سیاست جنایی ایران در صیانت از اراضی ملی، مقاله اولین همایش بین‌المللی و مخاطرات طبیعی و بحران‌های زیست‌محیطی ایران»، راهکارها و چالش‌ها، دوره ۱.
۱۹. عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه و ساره حسابی (۱۳۹۰). «سیاست جنایی و تطور مفهومی آن»، تعالی حقوق، سال ۴، ش ۱۵.
۲۰. علی‌بیگی، جواد (۱۳۹۷). «بررسی نظام حقوقی بهره‌برداری از روستایی و عشایری از منابع طبیعی در ایران»، فصلنامه انسان و محیط زیست، دوره ۱۶، ش ۱.
۲۱. عمید، حسن (۱۳۵۶). فرهنگ فارسی عمید، ج اول، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۳. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی.
۲۴. قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۶۷/۶/۲۲ مجلس شورای اسلامی (نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۲۷۰۹ مورخ ۱۳۶۷/۷/۲۴).
۲۵. قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱.
۲۶. قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶/۵/۲۵ و اصلاحات بعد از آن.
۲۷. قانون حفظ و حمایت از منابع و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱/۷/۵.
۲۸. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ با آخرین اصلاحات تا تاریخ ۱۳۹۴/۷/۲۱.
۲۹. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و کتاب پنجم، تعزیرات مصوب ۱۳۷۵.
۳۰. قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴ و اصلاحات بعدی.
۳۱. قانون ملی شدن جنگل‌ها مصوب ۱۳۴۱/۱۰/۲۷ مصوب هیئت وزیران.
۳۲. قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۸۵). مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۳۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵). قواعد عمومی قراردادها، جلد ۲، چاپ دوم، تهران، نشر بهنشر.
۳۴. کوشکی، غلامحسین (۱۳۸۸). «چالش‌های نظام کیفری ایران در حوزه جرائم زیست‌محیطی»، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی، سال ۶، ش ۱۷ و ۱۸.
۳۵. کلینی رازی، آبی جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (۱۳۸۸ ق). *الأصول من الکافی*، مع تعلیقات علی‌اکبر الغفاری نهض بمشروعہ الشیخ محمد الآخوندی الجزء الأول، الطبعة الثالثة، دارالکتب الاسلامیة مرتضی آخوندی، تهران، جلد ۱ [۸ جلدی].
۳۶. لازرژ، کریستین (۱۳۹۵). *درآمدی بر سیاست جنایی*، ترجمه علی حسن نجفی ابرندآبادی، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان.
۳۷. لایحه جامع منابع طبیعی و آب‌خیزداری کشور در دست تصویب.
۳۸. لواسور، ژرژ (۱۳۷۲). «سیاست جنایی»، ترجمه علی حسن نجفی ابرندآبادی، تحقیقات حقوقی، ش ۱۱ و ۱۲.
۳۹. مصوبه هیئت وزیران در سال ۱۳۲۵ در خصوص پروانه حمل زغال.
۴۰. معین، محمد (۱۳۷۲). *فرهنگ فارسی معین*، جلد ۱ و ۳، چاپ هفتم، انتشارات امیرکبیر.
۴۱. نادری فر، مهین، حمیده گلی و فرشته قلجایی (۱۳۹۶). «گلوله برفی، روشی هدفمند در تحقیقات کیفی»، *مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی*، دوره ۱۴، ش ۳.
۴۲. نجفی توانا، علی (۱۳۸۶). «تعارض و انسداد در سیاست جنایی ایران»، نشریه تحقیقات حقوقی آزاد، ش ۱.
۴۳. --- (۱۳۸۹). *مجموعه مقالات پیرامون سیاست جنایی*، چاپ اول، تهران، آموزش و سنجش.
۴۴. --- (۱۳۹۴). *جرم‌شناسی*، چاپ هجدهم، تهران، نشر آموزش و سنجش.
45. Burns, N. and SK. Grove (1993). *The Practice of Nursing Research*, 2nd ed. Philadelphia, W.B. Saunders Company.
46. Eurojust (2014). "Strategic Project on Environmental Crime" (Report), Finalized in October.
47. Pereira, Ricardo (2015). *Environmental Criminal Liability and Enforcement in European and International Law*, Brill Publication.
48. Rees, H. (2006). "Can Criminal Law Protect the Environment?", In South, *Niger and Beivne Piers, Green Criminology*, London, Ashgate